موضوع: نقد مسیر پیامبری، نقد و بررسی اشکالات

چگونگی محفوظ ماندن کامل قرآن

بحث در این بود که در زمان پیامبر اکرم (ص) قرآن کریم به صورت کامل مورد کتابت قرار گرفت و تحت نظارت معصومانه ایشان محفوظ ماند. بعد از رحلت ایشان نیز طبق دیدگاه مشهور، قرآن جمع آوری و تدوین شده است.

آنچه بیان شد نشان می دهد این شبهه که «چون تعداد افراد باسواد در آن دوران کم بوده است و ادوات آن دوران ابتدایی و رسم الخط بدون نقطه و اعراب بوده است، قرآن کاملا محفوظ نمانده»، بی اساس و نادرست است .

مصحف های قرآن

آیت الله معرفت درباره تدوین قرآن بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) نکاتی را بیان کرده اند که در ادامه به بیان آنها می پردازیم. ایشان از صحابه ای نام می برند که قرآن را جمع آوری کردند و اینکه برخی از این مصحف ها جایگاه ویژه ای پیدا کرده بودند مانند اینکه اهل کوفه مصحف ابن مسعود و اهل بصره مصحف ابوموسی را می خواندند و جاهای دیگر مصحف های دیگری از صحابه را تلاوت می کردند.

ایشان بعد می گوید: سرنوشت این مصحف ها این بود که خیلی عمری طولانی نداشت تا اینکه در زمان عثمان وقتی مصاحف یگانه شد، اینها از بین رفتند. عثمان نامه ای به همه مناطق نوشت و مصحفی که خودشان جمع کرده بودند و مصحف مشهور میان مردم بود را برای آنها فرستاد و دستور داد که بقیه مصحف ها را جمع کنند و بسوزانند.

« فی الفترة بعد وفاة النبیّ (صلی اللّه علیه و آله و سلم) قامت جماعة من کبار الصحابة بتألیف القرآن و جمع سوره بین دفّتین، کلّ بنظم و ترتیب خاصّ، و کان یسمّی مصحفا.

یقال: أوّل من جمع القرآن فی مصحف، أی رتّب سوره ککتاب منظّم، هو سالم مولی حذیفة. فائتمروا فیما یسمّونه؟ فقال بعضهم: سمّوه السفر. فقال سالم: ذلک تسمیة الیهود، فکرهوه. فقال: رأیت مثله فی الحبشة یسمّی المصحف. فاجتمع رأیهم علی أن یسمّوه المصحف. أخرجه ابن أشتة فی کتاب المصاحف [الإتقان: ج 1 ص 58. و راجع المصاحف للسجستانی: ص 11- 14.].

و هکذا قام بجمع القرآن ابن مسعود. و ابی بن کعب. و ابو موسی الأشعری، و کان سمّی مصحفه: لباب القلوب [الکامل فی التاریخ: ج 3 ص 55.]. و المقداد بن الأسود. و معاذ بن جبل

و حاز بعض هذه المصاحف مقاما رفیعا فی المجتمع الإسلامی آنذاک، فکان أهل الکوفة یقرءون علی مصحف عبد اللّه بن مسعود و أهل البصرة یقرءون علی مصحف أبی موسی الأشعری. و أهل الشام علی مصحف أبی بن کعب. و أهل دمشق خاصّة علی مصحف المقداد بن الأسود. و فی روایة الکامل: أنّ أهل حمص کانوا علی قراءة المقداد (الکامل فی التاریخ: ج 3 ص 55. و راجع صحیح البخاری: ج 6 ص 225. و المصاحف للسجستانی: ص 11- 14. و البرهان: ج 1 ص 239- 243)

کان أمد هذه المصاحف قصیرا جدا انتهی بدور توحید المصاحف علی عهد عثمان. فذهبت مصاحف الصحابة عرضة التمزیق و الحرق. قال أنس بن مالک: أرسل عثمان الی کلّ افق بمصحف ممّا نسخوا، و أمر بما سواه من القرآن فی کلّ صحیفة أو مصحف أن یحرق (صحیح البخاری: ج 6 ص 226.)»[[1]](#footnote-1)

ویژگی مصحف های قرآن

آیت الله معرفت در ادامه به بررسی شباهت ها و تفاوت های این مصحف ها می پردازند و می گویند: ویژگی همه این مصحف ها این بود که سوره بلند بر سوره های کوتاه مقدم بود. سپس سوره های مئین آمده است که حدود 100 آیه دارند. بعد سوره های مثانی آمد است که آیات آنها کمتر از صد آیه است. اینها را بدان جهت مثانی می گویند که بیشتر از سوره های طوال خوانده می شدند. سپس سوره های حوامیم آمده است و بعد سوره های کوچک قرار گرفته است.

« کان الطابع العامّ الذی کانت المصاحف آنذاک تتسم به: هو تقدیم السور الطوال علی القصار نوعا ما فی ترتیب منهجی خاصّ:

1- ابتداء من السبع الطوال: البقرة، آل عمران، النساء، الأعراف، الأنعام، المائدة، یونس [1].

2- ثم المئین، و هی السور تربو آیاتها علی المائة، و هی ما تقرب من اثنتی عشرة سورة.

3- ثم المثانی، و هی السور لا تبلغ آیاتها المائة، و هی ما تقرب من عشرین سورة. و سمّیت مثانی لأنّها تثنی أی تکرر قراءتها أکثر ممّا تقرأ غیرها من الطوال و المئین.

4- ثم الحوامیم، و هی السور بدأت ب «حم»: سبع سور.

5- ثم الممتحنات، و هی تقرب من عشرین سورة.

6- ثم المفصّلات، تبتدئ من سورة الرحمن الی آخر القرآن.

و سمّیت بذلک لقرب فواصلها و کثرة فصولها»[[2]](#footnote-2)

ویژگی مصحف ابن مسعود

آیت الله معرفت سپس به بررسی ویژگی هایی که مصحف ابن مسعود داشتند می پردازند. ایشان چند جهت را در این باره بیان می کنند که جهت پنجم آن چنین است: چرا عبدالله بن مسعود قرائتش فرق می کند؟ گاه وی مرادف یک کلمه را مورد استفاده قرار می داد تا معنا را به کسانی که نمی فهمیدند برساند. ابن مسعود در قرائت قرآن معتقد به وسعت نظر بود و اگر معنای اصلی تغییر نمی کرد آن کلمه مانوس تر را جایگزین می نمود، مثلا به جای کلمه تعال، از کلمه هلم استفاده می کرد. وی طبق شرایط و نیاز اینگونه عمل می کرد مثلا وقتی می خواست به یک عجمی قرآن یاد دهد در تلاوت آیه «ان شجره الزقوم طعام الاثیم» که او به اشتباه می گفت: «طعام الیتیم»، گفت بگو طعام فاجر که هم معنا است. ابن مسعود این را خطا نمی دانست که به جای کلمه علیم، کلمه حکیم گفته شود. وی در این براه اجتهاد می کرده و معتقد بود اگر معنا باعث شود آیه رحمت، آیه عذاب شود نادرست است. نمونه دیگر اینکه ابن مسعود معتقد بود ال یاسین همان ادریس است و لذا می گفت واژه ادریس را به جای آن قرار می داد.

بعضی از قدمای از مفسیرین عادت داشتند که وقتی در قرآن به کلمه ای نامانوس می رسیدند، برای فهم معنای آن به سراغت قرائت ابن مسعود می رفتند. مجاهد می گوید نمی دانستم زخرف به چه معنایی است تا اینکه دیدم در قرائت ابن مسعود کلمه ذهب آمده است.

«جهة خامسة: اختلاف قراءته مع النّص المشهور فی کثیر من الآی. و هذا الاختلاف کان یرجع الی تبدیل کلمة الی مرادفتها فی النصّ و کان ذلک غالبیّا لغرض الإیضاح و الإفهام.

و المعروف من مذهب ابن مسعود: توسیعه فی قراءة ألفاظ القرآن، فکان یجوّز أن تبدّل کلمة الی اخری مرادفتها، إذا کانت الثانیة أوضح و لا تغیّر شیئا من المعنی الأصلی.

قال: لقد سمعت القرّاء و وجدت أنّهم متقاربون، فاقرءوا کما علّمتم- أی کیفما علّمکم القارئ الأستاذ- فهو کقولکم: هلم و تعال.

و کان یعلّم رجلا أعجمیّا القرآن، فقال: «إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ طَعامُ الْأَثِیمِ».

فکان یقول الرجل: طعام الیتیم، و لم یستطع أن یقول: الأثیم. فقال له ابن مسعود: قل: طعام الفاجر. ثم قال ابن مسعود: إنّه لیس من الخطأ فی القرآن أن یقرأ مکان «العلیم» «الحکیم». بل أن یضع آیة الرحمة مکان آیة العذاب [2].

و من هذا القبیل ما رواه الطبری: کان ابن مسعود یقول: الیاس هو إدریس، فقرأ: و إنّ ادریس لمن المرسلین. و قرأ: سلام علی إدراسین [3].

و ذکر ابن قتیبة: أنّ ابن مسعود کان یقرأ: «و تکون الجبال کالصوف المنفوش» [4] بدل «العهن المنفوش» لأنّ العهن هو الصوف، و هذا أوضح و آنس للإفهام.

هذا .. و من ثم تعوّد بعض المفسّرین القدامی، إذا أشکل علیهم فهم کلمة غریبة فی النّص القرآنی، أن یراجعوا قراءة ابن مسعود فی ذلک، فلا بدّ أنّه أبدلها بکلمة اخری مرادفة لها أوضح و أبین للمقصود الأصلی.

قال مجاهد: کنّا لا ندری ما الزخرف، حتی رأیناه فی قراءة ابن مسعود: أو یکون لک بیت من ذهب [1].

و فسّر الزمخشری الیدین فی قوله تعالی: «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَیْدِیَهُما» بالیمینین، لأنّ ابن مسعود قرأ: فاقطعوا أیمانهما [2].

و ذکر الغزالی من آداب البیع: إقامة لسان المیزان، فإنّ النقصان و الرجحان یظهر بمیله، و استشهد بقراءة ابن مسعود: و أقیموا الوزن باللسان و لا تخسروا المیزان، قال: لأن القسط- فی القراءة المشهورة- إنّما یقوم بلسان المیزان [3].

و فی بعض طبعات إحیاء العلوم صحّحوه وفق النصّ المشهور، ففاتهم غرض استشهاد المؤلّف.

و هکذا قرأ: «إنّی نذرت للرّحمان- صمتا- فلن اکلّم الیوم إنسیّا» [4] بدل «صوما» لأنّ الصوم المنذور کان صوم صمت.

و قرأ: «یوم یقول المنافقون و المنافقات للّذین آمنوا- أمهلونا- نقتبس من نورکم» [5] بدل «انظرونا» لأنّ المقصود هو الإمهال.

و قرأ: «إن کانت إلّا- زقیة- واحدة» [6] بدل «صیحة واحدة».

قال العلّامة الطبرسی: هو من زقی الطیر: إذا صاح. و کأنّ ابن مسعود استعمل هنا صیاح الدیک تنبیها علی أنّ البعث بما فیه من عظیم القدرة و استثارة الموتی من القبور، سهل علی اللّه تعالی کزقیة زقاها طائر. فهو کقوله تعالی: «ما خَلْقُکُمْ وَ لا بَعْثُکُمْ إِلَّا کَنَفْسٍ واحِدَةٍ»».[[3]](#footnote-3)

پاسخ اشکال به اختلاف مصحف ها

آیت الله معرفت در پاسخ به این شبهه که تفاوت در مصحف ها نشان از وارد شدن تحریف در قرآن دارد می گویند: این تفاوت ها در کتابت مصحف ها نبوده است بلکه در قرائت آنها صورت می گرفته است.

« (ملحوظة): قد یأخذ البعض من هذا الاختلاف فی قراءة النصّ القرآنی ذریعة للطعن علیه، کما جاء فی کلام المستشرق الألمانی العلّامة نولدکه، فی کتابه: مذاهب التفسیر الإسلامی، الذی وضعه لهذا الغرض لکنّها محاولة فاشلة بعد أن علمنا أنّ الاختلاف کان فی مجرّد القراءة خارج النّص الثابت فی المصحف. فالنّص القرآنی شی‌ء لم یختلف فیه اثنان، و هو المثبت فی المصحف الشریف منذ العهد الأوّل الإسلامی حتی العصر الحاضر، و من ثم لم یمسّوه حتی لإصلاح اخطائه الإملائیّة. تحفّظا علی نصّ الوحی یبقی بلا تحویر.

نعم جاءت قضیّة مراعاة جانب التسهیل علی الأمة، من بعض السلف، لتجوّز القراءة بأی نحو کانت، ما دامت تؤدّی نفس المعنی الأصلی من غیر تحریف فیه. الأمر الذی یکون خارج النّص المثبت قطعیّا.

و من ثم أجاز ابن مسعود: أن ینطق ذلک الاعجمی بدل طعام الأثیم بطعام الفاجر [1]. فاستبدل من النّص الصعب التلفّظ بالنسبة إلیه، لفظا أسهل ...

لکنّه لم یثبته فی المصحف کنصّ قرآنی. و لم یکن ذلک منه تجویز التبدیل فی نصّ الوحی .. حاشاه! و هکذا کان تجویز عائشة لذلک العراقی: و ما یضرّک أیّه قرأت [2]. توسعة فی مقام القراءة فقط، لا توسعة فی ثبت النصّ القرآنی الذی هو وحی السماء، فی المصحف، و لا شکّ أنّ مصحفها کان ذا ثبت واحد قطعا»[[4]](#footnote-4)

اشکال و جواب

اشکال: در باره اعجاز قرآن این اشکال مطرح شده که اگر قرآن معجزه می بود باید مباحث آن همانند یک کتاب علمی در کنار هم قرار می گرفت و موضوعات به شکل پراکنده ذکر نمی شد. این نشان از عدم اعجاز آن دارد.

جواب: آیت الله خویی در جواب این اشکال فرموده اند: اگر قران آن گونه که شما می گویید می بود مشکل داشت، زیرا رسالت قرآن غیر از رسالت یک کتاب علمی است. قرآن می خواهد عموم مردم را هدایت کند و مخاطب های مختلفی اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ، و بی سواد و باسواد را پوشش دهد. بنابراین این نظم کنونی در قرآن برای دستیابی به آن غرض بهتر است. این خود هنر زیبایی است که بحث به گونه ای طرح شود که برای مخاطبین عام مورد استفاده باشد.

نتیجه بحث

در اینکه همه آیات و سوره های قرآن که در عصر رسالت به تدریج بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده بود در همان زمان محفوظ و مکتوب بوده است تردیدی وجود ندارد، ولی از مجموع روایات و گزارشات تاریخی به دست می آید که جمع و تالیف قرآن به نحو ترتیبی خاص میان سوره های آن در زمان پیامبر (ص) انجام نگرفته است بلکه این کار پس از رحلت آن حضرت واقع شده است. نخستین فردی که به دستور پیامبر به این مهم اقدام کرده است امام علی (ع) بوده است و اقدام به دستور ابوبکر و توسط عده از صحابه انجام گرفته است.

قرآنی که امیرالمومنین (ع) گردآوری و تالیف نموده است از نظر آیات و سوره با قرآنی که به دستور ابوبکر و توسط عده از صحابه جمع آوری و تدوین شد تفاوتی ندارد بلکه تفاوت آن یکی مربوط به ترتیب سوره ها و دیگری مربوط به تبیین و تفسیر آیات که توسط پیامبر اکرم (ص) انجام شده بود و امام علی (ع) نسبت به آن آگاهی کامل داشت.

اگر چه قرآن در آن زمان نقطه و اعراب گذاری نشده بود ولی قرائت به گونه ای که پیامبر اکرم (ص) قرائت کرده بود میان مسلمانان متواتر بوده اما به مرور زمان و با توجه به لهجه ها یا استنباط هایی که برخی از صحابه انجام دادند قرائت های دیگری نیز پدید آمد که شایع و متواتر نبودند و در زمان عثمان و به دستور او این قرائت به کلی منع شد و مصحف هایی که مشتمل بر آنها بود از بین رفت. تنها قرائت متواتر باقی ماند که بعدها نقطه گذاری و اعراب گذاری شد.

از آنچه درباره جمع و تالیف قرآن در زمان پیامبر و پس از رحلت آن حضرت بیان گردید بدست آمد که اشکالات کتاب مسیر پیامبری در این خصوص وارد نیست. اشکالات وی عبارتند از: کم بودن افراد با سواد در میان مسلمانان در آن زمان، ابتدایی ادوات و لوازم نگارش در میان مسلمان، نبودن خط و رسم واحد و نقطه گذاری و اعراب گذاری آیات که سبب اختلاف در قرائت از آیات می شد.

هیچ یک از امور یاد شده با محفوظ ماندن تمام آیات قرآن بر اساس قرائت مشهور و متواتر میان مسلمانان منافات ندارد زیرا اولا محفوظ ماندن قرآن تنها به نوشتن آیات قرآن نبود تا کم بودن تعداد نویسندگان مشکل ساز بوده باشد بلکه افراد بسیاری آیات قرآن را حفظ می کردند و ثانیا نوشتن قرآن توسط نویسندگان وحی با نظارت معصومانه پیامبر (ص) انجام می شد که خود تضمین کننده همه آیات قرآن می باشد. ابتدایی ادوات نوشتن نیز تنها کار نوشتن را دشوار می ساخت اما مانع نوشتن کامل آیات قرآن نبود. نقطه و اعراب گذاری نبودن آیات نیز با توجه به قرائت مشهور و متواتر آیات آن گونه که رسول خدا (ص) قرائت می کرد بر حفظ آیات مطابق قرائت و تلاوت پیامبر خدشه ای وارد نکرده است و اختلاف قرائت هایی که پس از آن پدید آمد نیز در زمان عثمان از بین رفت و تنها قرائت مشهور و متواتر باقی ماند.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. التمهید، ج1، ص 308- 309 [↑](#footnote-ref-1)
2. التمهید، ج1، ص 312- 313 [↑](#footnote-ref-2)
3. التمهید، ج1، ص 317 - 319 [↑](#footnote-ref-3)
4. التمهید، ج1، ص 319- 320 [↑](#footnote-ref-4)